

زیارت امام حسین در روز اربعین

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سوال^۱: برخی برای اثبات صحت روایت اربعین و دیگر روایاتی که در مورد زیارت امام حسین ع در این روز آمده به این کلام استناد کرده اند که: این روایات در بین فقها هرچند متأخرین از آنان مشهور است. میزان صحت این سخن چقدر است؟

پاسخ: در رابطه با زیارت اربعین جز روایات زیر را نیافتیم:
روایت اوّل: از امام حسن عسکری علیه السلام: «علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسين، وزيارة الأربعين، والتختم في اليمين، وتعفير الجبين، والجهر بسم الله الرحمن الرحيم»^۲ و این روایت در ص ۷۸۸ کتاب مصباح المتعجد و ج ۶ ص ۵۲ تهذیب الاحکام شیخ طوسی به عنوان قدیم ترین منبع آن آمده و روایت مرسل و بدون سند است زیرا شیخ طوسی می گوید: «رؤی» (یعنی: نقل شده) و میان شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ و امام عسکری علیه السلام متوفای سال ۲۵۵ حدود ۲۰۰ سال فاصله است در نتیجه روایت به لحاظ سندی معتبر نیست و هیچ کدام از علمای متخصص رجال و حدیث روایتهای مرسل شیخ طوسی را حجت ندانسته است.

^۱ حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۱: سوال ۱۶۲.

^۲ ترجمه: «پنج چیز نشانه مؤمن است: پنجاه رکعت نماز یومیه، زیارت اربعین، انگشتت در دست راست نمودن، پیشانی را بر خاک نهادن و جهری گفتن بسم الله الرحمن الرحيم»

مرحوم مشهدی نیز این روایت را در کتاب المزار خود ص ۳۵۲ آورده و گفته: « با همین سند از ابوهاشم جعفری از امام عسکری ع» و خود مشهدی نیز در نزد امثال آقای خوبی وثاقتشان ثابت نیست و ما از سند او به ابوهاشم جعفری نیز اطلاعی نداریم.

روایت دوم: از صفوان جمال از امام صادق علیه السلام که فرمود: مولای من امام صادق علیه السلام فرمودند: «فی زیارة الأربعین تزور ارتفاع النهار، وتقول: السلام علی ولی الله وحیبه.. - و ذکر زیارة، إلى أن قال :- وتصلی رکعتین، وتدعو بما أحببت، وتنصرف»^۱ (برای اطلاع بیشتر ر.ک:

تفصیل سائل الشیعه ۱۴: ۴۷۹ - ۴۸۷). این روایت از روایت اولی دلالت واضح تری دارد زیرا بر روایتی اولی ممکن است این ایراد وارد شود که مراد از «اربعین» در آن مشخص نشده آیا منظور چهل مؤمن است یا چیز دیگری؟! (اگر چه عده‌ای این گونه پاسخ داده‌اند که اگر مراد چهل مؤمن بود بایستی می‌گفت: «زیارة أربعین» نه اینکه از تعبیر «زیارة الأربعین» استفاده نماید.) اما روایت دومی این ابهام را ندارد.

اما روایت دوم به علت وجود «محمد بن علی بن معمر» از لحاظ سندی ضعیف است اگرچه عده‌ای سعی نموده بگویند او چون از اساتید کلینی است پس موثق است و البته با این روش وثاقت ثابت نمی‌شود و یا اینکه او از مشایخ اجازه حدیث است که به این طریق نیز وثاقت ثابت نمی‌شود یا اینکه ابن ندیم در ص ۲۷۸ فهرست خود از او به عنوان بزرگان و فقهای امامیه یاد نموده و این نیز دلیل قابل قبولی نیست زیرا مدح علمی یک نفر دلیلی بر وثاقت او نیست، چگونه دلیل می‌شود حال آنکه ابن ندیم سهل بن زیاد آدمی را که چندین نفر او را صریحا تضعیف نموده‌اند جزو علمای قداماء شیعه بر شمرده است و ابن ندیم درصدد توثیق نبوده بلکه هدفش نام بردن از صاحبان اثر در شیعه بوده است و ما پیشتر ثابت نمودیم که صرف مدح و ثنای یک نفر دلالت بر صحت سند نمی‌کند بلکه بایستی مدح یک راوی به لحاظ وثاقتش یا آنچه در صحت نقل دخالت دارد باشد و الا اگر بگویند فلانی مسلط در بحث لغت است اگرچه نوعی مدح به شمار می‌آید اما دلیلی بر حجیت نقل او در زمینه حدیث نمی‌شود.

لذا با نظر آقای خوبی در حجیت «حدیث حسن» مخالف نمودیم و گفتیم که بایستی قائل به تفصیل شد و گفت اگر مدح او به جنبه نقل حدیثی او بر می‌گردد قابل قبول است و الا خیر و برخی از حاضرین درس آیت الله وحید خراسانی حفظه الله برای بنده نقل فرمودند که ایشان

۱ ترجمه: «در روز اربعین هنگام بالا آمدن خورشید چنین می‌گویی: ... و زیارت را نقل نموده تا اینکه می‌گویی: و دو رکعت نماز می‌گزاری و و هر دعایی خواستی می‌کنی و برمی‌گردی»

در بحث حجیت حدیث حسن همین ایراد را بر آقای خوبی وارد نموده‌اند. علاوه بر ابن معمر علی بن محمد بن مسعده نیز در سند به چشم می‌خورد که فردی مهممل است هرچند که مهممل بودن او به صحت روایت لطمه‌ای وارد نمی‌نماید زیرا حدیث هم از او و هم از ابن فضال همزمان نقل شده است و همچنین سعدان بن مسلم مجهول در سلسله این سند وجود دارد که علیرغم توثیقش توسط آقای خوبی بنا بر وجود نامش در اسانید تفسیر قمی و کامل الزیارت اما صحت این دو مبنا به اثبات نرسیده است.

و اینکه بگوییم سعدان بن مسلم همان «عبدالرحمن بن ابی نجران» بوده و نامش عمرو بن مسلم است نیز دلیل قابل قبولی برایش نیافتیم و رجالیان قدما متعرض هیچ یک از این دو نشده‌اند حال آنکه شیخ طوسی و نجاشی در دو مدخل از آنان نام برده‌اند لذا بعید است که یک شخص باشند در نتیجه روایت از لحاظ سندی ضعیف است.

روایت سوم: اما آنچه در مصباح المتهدجد شیخ طوسی و غیره آمده که گفته‌اند: « فی یوم العشرین من صفر کان رجوع حرم الحسین علیه السلام من الشام إلى مدینة الرسول، وهو الیوم الذی ورد فیہ جابر بن عبد الله الأنصاری إلى زیارة الحسین علیه السلام وهو أول من زاره من الناس »^۱ (طوسی، مصباح المتهدجد: ۷۸۷؛ مفید، مسار الشیعة: ۴۶).

این روایت نیز مرسل است و می‌توان گفت در هر دو منبع بدون سند ذکر شده است و با چشم پوشی از بحث سندی، روایت در صدد بیان همزمانی ورود اهل حرم در بازگشت از شام به مدینه و جابر بن عبد الله انصاری است، اما آیا این دلیل بر یک سنت واضح لازم الاتباع تا روز قیامت است؟ این نیاز به دلیل دارد زیرا روایت به هیچ عنوان در صدد بیان این مطلب نیست.

اینها روایاتی بودند که در این موضوع دست یافتیم و برخی از نویسندگان معاصر به فعل امام سجاد علیه السلام و جابر بن عبد الله انصاری استدلال نموده و گفته‌اند که این فعل از معصوم صادر شده و دلالت بر استحباب دارد اما این سخن جای تعجب دارد زیرا همانطور که علمای اصول فرمودند: فعل معصوم علیه السلام دلالت بر جواز دارد نه استحباب مگر اینکه قرینه‌ای مثل تکرار عمل در کار باشد و یا اینکه امام علیه السلام در سفر باشند و اقدام به نماز خواندن نمایند که این دلالت

۱ ترجمه: «روز ۲۰ صفر مصادف است با بازگشت خاندان امام حسین ۷ از شام به مدینه الرسول ۹ و در چنین روزی جابر بن عبد الله انصاری به عنوان اولین زائر وارد کربلاء شد.»

بر استحباب نماز در آن لحظه نمی‌نماید بلکه دلالت بر مطلق استحباب بدون تخصیص دارد و در اینجا بحث بر سر استحباب زیارت امام حسین ۷ و لو در روز اربعین نیست - زیرا این مسئله مسلم بوده و دارای روایات متواتر و فراوانی است - بلکه بر سر خصوص اربعین است، تمام بحث در مورد عنوان زیارت خاص اربعین است که دیدیم روایاتش صحیح‌السند نبودند.

اما آنچه در متن سؤال فرمودید که می‌توان برای آن به شهرت در بین متأخرین تمسک نمود باید دانست که شهرت صرف نظر از خدشه در اصل حجیتش، چنانچه فقط در بین متأخرین باشد بنا بر نظر محققین، حجیت شهرت شامل آن نبوده چرا که کاشف از نظر شارع مقدّس نیست. در نتیجه زیارت مخصوص روز اربعین را که نهایتاً سه روایت دارد را با روایات نمی‌توان به اثبات رساند زیرا روایت اول علاوه بر بی‌سندی عده‌ای در دلالت آن خدشه نموده‌اند و روایت دوّم سه نفر از روایانش مجهول‌اند و روایت سوّم اساساً ارتباطی به موضوع ندارد و نمی‌توان احراز کرد که عمل فقها به این روایات جز به خاطر تمسک به قاعده «تسامح در ادله سنن» باشد در نتیجه حتی اگر قاعده جبر سندی را نیز بپذیریم بازهم نمی‌توان ضعف سندی روایات را با عمل فقها جبران کرد.

بله می‌توان به عموم روایات متواتر وارده در زمینه زیارت امام حسین استدلال نمود و زیارت روز اربعین را به نیت انجام فعل مستحب زیارت ولی بدون قصد زیارت مخصوص روز اربعین انجام دهد. مگر اینکه قاعده «تسامح در ادله سنن» را بپذیریم و به روایت دوّم عمل نماییم زیرا از شرایط اجرای قاعده تسامح وجود دلالتی است که به طور نسبتاً واضحی در روایت دوّم مشهود است، اما ما هم مبنای آقای خوبی این قاعده را ثابت نمی‌دانیم.

اما اینکه نقل شده زیارت اربعین برگرفته از یهودیان است حرفی بی‌دلیل است و حتی اگر در این زمینه سنتی شبیه یهودیان داشته باشیم صرف این امر دلیلی بر اقتباس آن از یهود نیست و تا زمانی که دلیلی بر آن وجود نداشته باشد نمی‌توان چهره زیارت اربعین را بدین وسیله مخدوش نمود. زیرا مشترکات میان اسلام و یهودیت و مسیحیت کم نیست پس به نظرم این امر تابع دلیل است و ادله دلالت بر استحباب ذاتی آن ندارد اما این مانع زیارت در شرایط کنونی نمی‌شود زیرا می‌توان با تمسک به عمومات و قصد رجاء آن را انجام داد.

و در پایان این نکته را یادآور می‌شوم که لزومی ندارد برخی از اموری که فی‌نفسه نیکو هستند را به تعطیلی کشانیم آنچنان که گویی به دنبال نابودی شعائر و سنت‌ها هستیم و معتقدم به جای آن باید جهات دینی مسئله شفاف شده تا مردم بدانند که با عنوان عام زیارت و نه خصوص استحباب اربعین در آن شرکت نمایند ضمن اینکه طرف دیگر نیز نباید هر کس با روش علمی این امور را مورد بررسی قرار می‌دهد مورد اتهام قرار داده و در دیانت و اعتقادش تشکیک نماید

و چه خوب است به جای آن همگی به فکر برنامه‌ریزی فکری و حماسی و تبلیغی تبیینی برای آن بوده تا زیارت امام حسین و دیگر معصومین تبدیل به یک همایش مردمی اسلامی گسترده از مؤمنین حاضر از اقصی نقاط دنیا در آن شود و مسیرهای مملو از جمعیت زائران مزین به محافل ادبی و نظم و نثر حسینی و انقلابی و برنامه‌های دینی و اجتماعی و حلقه‌های معرفت و جلسات عبادت و معنویت شده و میعادگاهی برای دیدار با مراجع و چهره‌های شاخص با توده مردم باشد تا - مثل زمان ائمه که همه ساله در ایام حج و عمره حضور می‌یافتند - دغدغه‌ها و مسائل مردم را شنیده و مردم نیز متقابلاً از ارتباط و فرمایشات و رهنمودهای ایشان استفاده نمایند. این مسئله امروزه برای استفاده هر چه بیشتر و بهتر همگان از این ظرفیت بسیار ضروری به نظر می‌رسد. ما نیاز به هدفمندسازی هرچه بیشتر و افزایش بهره‌وری مناسبت‌های دینی در راستای مسائل اجتماعی و سیاسی و اخلاقی امروز خود داریم و بایستی مانع تبدیل آنها به عاداتی بی‌محتوا و روزمرگی‌های تکراری شده تا وضعیتمان - خدای ناکرده - شبیه آن روزه‌داری شود که در روایت نبوی می‌فرماید: «چه بسا کسانی که بهره‌شان از روزه جز تشنگی و گرسنگی نیست.»